



آشنایی اجمالی با جراید فارسی اروپا

♦ مریم شهبازی

مقدمه

در دو سده اخیر، اروپا برای سرزمین‌های اسلامی از جمله ایران هم مایه دردسرهاى فراوان و مزاحمت‌های شکننده بوده و هم دارای خیرات عدیده و فواید کثیره و سودبخش بوده است. پدیده استعمار و مداخلات نظامی و سیاسی نامشروع در ممالک اسلامی از همان دردسرها و زیان‌رسانی‌های مورد اشاره است که رمق جهان اسلامی را گرفته است و آثار زیانبار آن هنوز هم دامن‌گیر مسلمین می‌باشد. آشنایی با دستاوردهای تمدن نوین و بهره‌مندی از سودمندی‌های «ماشین» نیز از جمله خیرات و برکات مواجهه مسلمین و اروپاییان بوده است.

مطبوعات و روزنامه‌ها به‌طور حتم یکی از برکات آشنایی مسلمین با غرب و تمدن جدید آن محسوب می‌شود که در بیداری مسلمانان و رشد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و علمی آنان اثرگذار بوده است.

در این میان شماری از رجال سیاسی و دینی در پیوند دادن اصولی مشرق اسلامی با غرب جدید نقش بنیادین داشته‌اند که در راس همه آنان می‌توان از مصلح بزرگ سیدجمال‌الدین اسدآبادی

نام برد. سیدجمال‌الدین نخستین چهره دینی و سیاسی در مشرق اسلامی است که به اهمیت نشریات ادواری و روزنامه‌نگاری پی برده و در مقام ترویج آن برآمده است. سید با انتشار دادن نشریه «العروة الوثقی» و «ضیاء الخائفین» به زبان عربی در لندن و پاریس به اجساد مرده مسلمین جان بخشید و آنان را با پدیده روزنامه‌نگاری به‌طور عملی آشنا ساخت. طبق نقلی که در تاریخ صورت گرفته با هماهنگی و مدیریت سیدجمال‌الدین در بندرعباس اجتماعی از برخی نخبگان ایرانی صورت گرفته که در آن اجتماع میرزا ملک‌خان مامور به انتشار قانون در لندن و مویدالاسلام مامور به انتشار روزنامه «جبل‌المتین» در هند گردیدند.

سیدجمال نخستین کسی است که یک رساله مختصر ولی بسیار پرباری تحت عنوان «فوائد جریده» به زبان فارسی نوشته و در آن اهمیت مجله نویسی و روزنامه‌نویسی یا به قول خودش «اخبارنامه» نویسی را شرح و تبیین نموده است.

بعد از سیدجمال‌الدین اسدآبادی، روشنفکران اسلامی و ایرانی جراید زیادی را به زبان فارسی انتشار دادند که تأثیر گسترده‌ای در تحولات ایران و جهان اسلام داشتند.

از آن میان ما توانسته‌ایم ۱۶ عنوان مجله و روزنامه فارسی منتشر شده در اروپا را با استفاده از امکانات بنیاد تاریخ‌شناسایی کنیم و در اینجا به معرفی اجمالی هر یک از آنها می‌پردازیم. لازم به یادآوری است شماری از این ۱۶ عنوان جریده برای اولین بار است که در اینجا معرفی می‌شوند و حتی مورخ نامدار عرصه مطبوعات فارسی مرحوم صدرهاشمی نیز به آنها اشارتی ندارد. این نشریات را در اینجا به ترتیب الفبا معرفی می‌کنیم و البته مواد عمده آنها برگرفته از اثر گرانقدر صدرهاشمی می‌باشد.^(۱)

روزنامه آتش

ما اکنون هیچ‌گونه آگاهی مشخصی از این روزنامه نداریم. در حد اطلاعات ما فقط یک‌جا به نام این روزنامه اشاره مرحوم صدرهاشمی در ضمن مطالبی که از مجله خواندنی‌ها درباره مجله پیکار منتشر شده در لیبزیک آلمان آورده نامی هم از این روزنامه و مدیر آن «سالار منظم سنجابی» برده است، ولی در ذیل حرف «آ» و آتش از کتاب هیچ اشاره‌ای به آن ننموده است. مطلب منقول ضمنی وی از مجله خواندنی‌ها چنین است:

«... بعدها به طوری که گفته می‌شد، مرحوم فرخی نیز به اتفاق سالار منظم سنجابی برادر مرحوم سردار اقتدار سنجابی، عموی دکتر سنجابی فعلی از ایران فرار کرده و در آغاز روزنامه‌ای به اسم «آتش» در خارج ایران چاپ می‌کرد، به برلین رفته و به دسته نویسندگان روزنامه پیکار ملحق شد.»^(۲)

روزنامه آزادی شرق

در آلمان توسط عبدالرحمن سیف‌آزاد به زبان فارسی منتشر می‌شده است و بعداً به تهران منتقل شده است. صدر هاشمی درباره آن چنین آورده است: «روزنامه آزادی شرق به مدیر مسوولی و نگارندگی سیف‌آزاد، ابتدا در برلین پایتخت آلمان و سپس در تهران انتشار یافته. آزادی شرق تا اوایل سال ۱۳۴۳ قمری در برلین منتشر می‌شده و از آن پس به تهران انتقال یافته و در شرایط اخیر انتشار یافته است. ظاهراً از شماره ۳۳ سال چهارم در تهران منتشر گردیده و این شماره مورخ به تاریخ شنبه ۲۳ ذیحجه ۱۳۴۲ مطابق چهارم اسد و ۲۶ ژوئن ۱۹۲۴ میلادی در چهار صفحه به قطع بزرگ در مطبعه سربی (باقرزاده) چاپ شده. در این شماره مجله اداره در برلین «ویلر سدوف» و در تهران خیابان چراغ‌برق معین گردیده است. در اطراف اسم روزنامه آزادی شرق اشعار «بنی‌آدم اعضای یکدیگرند تا دیگر عضوها را نماند قرار» چاپ شده و مندرجات آن پس از درج سرمقاله، اخبار مجلس و اخبار داخله و خارجه می‌باشد. از روزنامه آزادی شرق، نگارنده تا شماره ۳۶ سال چهارم مورخ سوم محرم ۱۳۴۳ قمری در دست دارم.»^(۳)

روزنامه ایرانشهر

قبل از جنگ جهانی دوم در پاریس روزنامه‌ای به زبان فارسی منتشر می‌شده است که «ایرانشهر» نام داشته است. اسامی دقیق مدیر، سردبیر و نویسندگان آن اکنون برای ما شناخته شده نیست و ما نتوانستیم از آرشیوهای مطبوعاتی که قابل دسترس بوده نمونه‌ای از نسخه‌های آن را به دست بیاوریم. فقط در دو جا از منابع قدیمی به وجود این روزنامه اشاره شده است. اول در شماره ۱۱ «روزنامه چهارنما» که زمانی در مصر منتشر می‌شده به عنوان تقریظ آن روزنامه بدان اشاره شده است. در شماره ۱۱ چهارنما که به تاریخ غره ماه رجب سال ۱۳۳۲ هجری قمری منتشر شده چنین آمده است: «روزنامه شریفه ایرانشهر منطبعه در پاریس که به همم ذی شیم هیئت و طنخواه و معارف‌پرور در چهار صفحه بزرگ که سه صفحه به فارسی و یک صفحه به فرانسوی باشد مطبوع گردیده و اشتراک او [آن] شش قران در ایران و شش فرانک در خارجه است.»
مرحوم صدر هاشمی نیز پس از نقل مطلب فوق از چهارنما افزوده است:
«از شرح مذکور معلوم می‌شود در سال ۱۳۳۲ قمری روزنامه‌ای به نام ایرانشهر به فارسی و فرانسه چاپ و منتشر می‌شده است.»^(۴)

مورد دوم که از «روزنامه ایرانشهر پاریس» نام برده شده «مجله ایرانشهر» منتشر شده در برلین می‌باشد. در شماره اول از سال اول مجله یاد شده به عنوان یک توضیح لازم چنین آمده است:
«مجله ایرانشهر بار و روزنامه ایرانشهر که پیش از جنگ در پاریس نشر می‌شد علاقه ندارد- این

روزنامه از طرف چند نفر ایرانی تأسیس و اداره می‌شد - بدبختانه در موقع جنگ عمومی انتشار آن جریده موقوف گردید. ما این عنوان را پس از استیذان از موسسین آن جریده اتخاذ کرده‌ایم. (۵)

احتمالاً سردبیر این روزنامه «محمد اشرف‌زاده» از اهالی آذربایجان بوده است.

مجله ایرانشهر

به جز روزنامه ایرانشهر که پیشتر اشاره کردیم در پاریس منتشر می‌شده و از کم و کیف آن چندان آگاهی نداریم، نشریه دیگری نیز بعدها به نام مجله «ایرانشهر» در برلین آلمان انتشار یافته است که از جهاتی دارای اهمیت بسیار می‌باشد. این مجله در ماه ذی‌عقده سال ۱۳۴۰ هجری قمری آغاز به انتشار نموده و مدیر آن نیز حسین کاظم‌زاده معروف به «ایرانشهر» بوده است. این مجله به صورت ماهنامه بوده و تا سال ۱۳۰۵ هجری مجموعاً در ۴۸ شماره انتشار یافته است، مشی آن نیز بیشتر ادبی و اجتماعی است و در مسائل سیاسی به‌طور مستقیم چندان ورود نمی‌کند. مجله ایرانشهر گرایش ناسیولیستی بسیار قوی دارد به طوری که گاهی دچار باستان‌گرایی و باستان‌ستایی افراطی هم شده است. این نشریه تأثیر زیادی در درون ایران به‌ویژه محافل روشنفکری ادبی داشته است.

مرحوم صدرهاشمی تحلیلی از مجله ایرانشهر دارد که جالب است به ویژه آنکه محتوا و خصوصیات سال سوم و چهارم آن را به‌طور خاص مدنظر قرار داده و تحلیل کرده است که جهت مزید آگاهی علاقه‌مندان در اینجا درج می‌کنیم: «مجله ایرانشهر به مدیریت آقای «حسین کاظم‌زاده» مدت چهار سال یعنی از ابتدای ذی‌عقده ۱۳۴۰ قمری تا اسفندماه ۱۳۰۵ شمسی مطابق ماه فوریه ۱۹۲۷ میلادی در برلین پایتخت آلمان منتشر شده است. بنابراین شماره اول آن در ذی‌عقده ۱۳۴۰ قمری و شماره آخر آن در اسفند ۱۳۰۵ شمسی و جمعا ۴۸ شماره منتشر گردیده. ایرانشهر یکی از بهترین مجلاتی است که مطبوعات فارسی تا به حال طبع شده و در مدت چهار سال توانسته است کمک بزرگی به روشن نمودن افکار عامه ایرانیان نیامد و از جهت اشمال آن بر مقالات علمی و ادبی، اجتماعی، فلسفی، جهان‌زنان، مردان بزرگ، تحقیقات تاریخی با تصاویر زیبا و اشعار، که به قلم فضلالی شرق و غرب نوشته شده، می‌توان آن را یکی از مجلات مهم و مفید زبان فارسی دانست. مجلدات چهار ساله ایرانشهر هر کدام کتاب نفیسی را تشکیل می‌دهد که علاوه بر اشمال آنها بر مطالب علمی و تاریخی دارای یک نوع تنوعی است که کمتر در یک کتاب معینی یافت می‌شود: ادوارد براون در جلد چهارم کتاب تاریخ ادبیات ایران (صفحه ۳۲۲ ترجمه) درباره مجله ایرانشهر می‌نویسد: «در جون ۱۹۲۲ در برلین یک مجله علمی و ادبی و فارسی دیگری (قبلاً از روزنامه کاوه گفت‌وگو نموده) به نام ایرانشهر به مدیریت حسین کاظم‌زاده انتشار یافت. این مجله اگر چه به عنوان پانزده روز یک شماره منتشر شد اما در عمل جز ماهی یک نمره بیرون

نیامد. ایرانشهر نسبت به کاوه خیلی ساده و عوام فهم‌تر است و معلوم می‌شود بیشتر منظورش بحث در وقایع ایران قبل از اسلام و مسائلی است که جوانان کنونی ایران با آن مواجه هستند. «پس از این قسمت برون [براون] چند سطری راجع به مقاله «اعزاز محصل به اروپا» که در شماره هفتم ایرانشهر مورخ دسامبر ۱۹۲۲ چاپ شده گفت و گو می‌نماید.

برای اینکه خوانندگان اطلاعات جامعی درباره خصوصیات و نوع مندرجات ایرانشهر به دست آورند به ذکر خصوصیات سال سوم و چهارم مجله می‌پردازیم. شماره اول و دوم و سوم مجله ایرانشهر در یک مجله در تاریخ اول دی‌ماه یزگردی سال ۱۲۹۳ شمسی در ۱۲۸ صفحه خشتی کوچک با طبعی زیبا و کاغذی مرغوب مانند دو سال قبل آن در برلین منتشر شده است. در این سال نیز مانند سال‌های اول و دوم مجله ماهی یک‌بار به قلم فضلالی شوق و غرب نوشته می‌شده و وجه اشتراک آن همه‌جا به شرط پیشکی یک لیره انگلیسی است و وجه اشتراک باید به وسیله اسکناس یا برات بانک شاهنشاهی به نام آقای «حسین کاظم‌زاده» فرستاده شود. برای معلمان و طلاب و شاگردان مدارس ذکور و اناث و قرائت‌خانه‌ها عموماً به شرط فرستادن وجه اشتراک قبلاً ۳۵ قران به جای یک لیره است.

ایرانشهر روی هم رفته در سال سوم ۱۲ شماره و در ۷۶۶ صفحه به ضمیمه فهرست مندرجات که ضمیمه شماره دوازدهم طبع شده، نشر یافته و شماره ۱۲ که آخر این سال در تاریخ اول آبان ۱۳۰۴ شمسی مطابق ۴ ربیع‌الثانی ۱۳۴۴ قمری منتشر شد، مقاله اول این شماره تحت این عنوان است: «تاریخ ایران تازه شد؛ خاتمه سلطنت قاجار و طلوع دوره پهلوی». مندرجات این سال نیز مانند سال‌های قبل مطالبی است علمی، ادبی، اخلاقی، فلسفی و تاریخی که به قلم فضلالی دانشمندان نوشته شده و علاوه مشتمل بر تصاویری است که منجمله تصویرهای «باغچه بچه‌ها در انگلستان، اردشیر بابکان، بزغاله دوسر، تربت حافظ شیرازی، جورج امیتن، دبستان فردوسی بوشهر، سیدجلال اسدآبادی، شیخ محمد خیابانی، مجسمه فردوسی، ولتر شاعر فرانسوی، مدرسه فرهنگ اصفهان» و تصاویر دیگر می‌باشد.

مقالات سال سوم تحت این عناوین است: «قسمت اجتماعی؛ قسمت ادبی؛ قسمت فلسفی، قسمت تاریخ، قسمت فنی، ادبیات، جهان زنان؛ معارف ایران، تعلیم و تربیت؛ معارف دیگران؛ مردان نامور، صنایع ظریفه، شرق و غرب؛ مطبوعات تازه، تحقیقات ادبی، سوالات علمی، متفرقه.»

نویسندگان مهم در این سال عبارتند از: کاظم‌زاده، رضازاده شفق، میرزا محمدخان قزوینی، هوشیار شیرازی، سیدمحمد توفیق، رشید یاسمی، اسدآبادی، ع. میکده، ا. بیژن، علی هاشمی.

سال چهارم مجله ایرانشهر: سال چهارم مجله ایرانشهر به همان وضع و اسلوب و قطع و سنوالت سابق پا به دایره انتشار گذاشته و اولین شماره این سال در تاریخ اول فروردین ۱۳۰۰ شمسی مطابق ۲۲ مارس ۱۹۲۶ میلادی منتشر گردیده است. شماره اول این سال با اشعار زیر که از تراوشات افکار مدیر مجله، آقای کاظم زاده ایرانشهر و در توحید سروده شده شروع می‌گردد:

جهان آفرینا توانا تویی / که یکتا و بی‌تا و دانا تویی

رهی دور دارم من اینک به پیش / پر از رنج و درد و پر از خار و نیش

در این راه تاریک و پرسنگسار / چراغی ز مهرت فراراه دار

که گردد ز سوزش در این بوته خاک / روان دل و دیده و مغز پاک

فروغش برد نیکی و راستی / بسوزد ز بن زشتی و کاستی

فروزد همه دانش و هوش رای / به سوی تو گردد مراره‌نمای

بگیرم بدست این همایون چراغ / جهانی کنم مست از این ایام.

شماره‌های سال چهارم مجله ایرانشهر مانند سنوالت قبل دارای سرلوحه مخصوص و جملات «موسس حسین کاظم زاده ایرانشهر» و «این مجله ماهی یک‌بار به قلم فضلالی شرق و غرب در ۶۴ صفحه انتشار می‌یابد» و «قیمت آئونه در هر جا یک لیره انگلیسی است و تک نمره دو شلینگ» و «مجله مصور علمی؛ ادبی فلسفی و اجتماعی» و «عنوان مرسلات» همه اینها به زبان فارسی در پشت جلد مجله نوشته شده است. علاوه بر اینها جملاتی به همین مضامین با ذکر اداره مجله به زبان فرانسه در پشت جلد چاپ شده است.

شماره ۱۲ سال چهارم که آخرین شماره منتشره این سال و دوره مجله است، در تاریخ اول اسفندماه ۱۳۰۵ شمسی انتشار یافته. مجموعه صفحات این سال به استثنای صفحات ضمیمه از قبیل فهرست مندرجات سال سوم و چهارم و صفحات مخصوص اعلانات و غیره که غالباً روی اوراق الوان چاپ شده ۷۷۸ صفحه می‌باشد. مندرجات سال چهارم دارای همان تنوع و دل‌چسبی است که در سال‌های قبل در مندرجات مجله دیده می‌شود. مطالب اجتماعی، ادبی، فلسفی و تحقیقات تاریخی و علمی به حد و فور در این سال موجود است. علاوه بر این، تصاویری از اشخاص و اشیاء بدین قرار در این سال چاپ شده است:

سید جمال‌الدین در طهران، ادوارد برون، تبریک‌نامه براون، خط عماد‌الکتاب، برون در لباس ایرانی، دکتر رضا توفیق، شیخ محمد خیابانی، خط دستی وصال شیرازی، روی هم رفته ۴۵ تصویر مختلف در این سال از مجله چاپ شده که برای دیدن آن تصاویر باید به اصل مجله رجوع گردد.

نویسندگان سال چهارم ایرانشهر غالباً از فضلا و دانشمندان معروف ایران و اروپا از قبیل آقای

میرزا محمدخان قزوینی است (مقاله بسیار نفیس ایشان راجع به زندگانی و شرح حال ادوار دیراون که از صفحه ۷۴ شماره دوم این سال شروع می‌گردد) و نیز ترجمه مقاله آقای «زکی ولیدی افندی» که اصل مقاله به زبان ترکی و درباره نسخه خطی کتاب ابن فقیه در مشهد می‌باشد، در شماره اول این سال چاپ شده است. ^(۶)

حسین کاظم‌زاده معروف به ایرانشهر مدیر «مجله ایرانشهر» پس از توقف انتشار مجله زندگی صوفیانه و انزو و اطلبانه‌ای پیدا کرده و در یکی از روستاهای سوئیس اقامت گزیده و به ترویج روش گیاه‌خواری و نوعی اندیشه که مدعی بود «فلسفه تازه» ای است پرداخت. همکار دیگر وی به نام «رضایت» نیز که با وی اختلاف پیدا کرده بود به مصر رفته و با اعتکاف گزیدن در یکی از مساجد منطقه حلوان به نوع دیگری از انزو و اطلبی و صوفی‌گری گرایش یافت و همه اهداف اجتماعی و ادبی و . . . آنان برای خودشان هم فراموش گردید.

مجله ایران نو

این نشریه توسط عبدالرحمن سیف‌آزاد که از مطبوعاتی‌های طرفدار آلمان نازی و روابط حسنه آن با ایران بوده، ظاهر در آلمان دوره هیتلر به زبان فارسی در آلمان چاپ می‌شده است. صدرهاشمی فقط از آن نام برده است. ^(۷)

مجله پیکار

این نشریه گویا توسط جمعی از دانشجویان ایرانی مقیم آلمان مانند مرتضی علوی و امثال او که گرایش‌های کمونیستی پیدا کرده بودند در سال ۱۳۰۹ شمسی با محتوای ضد رضاخان پهلوی در لیبزیک آلمان منتشر و به ایران فرستاده می‌شد. در آن زمان کمونیست‌ها در حکومت آلمان اکثریت داشتند و این نشریه رایاری بسیار می‌رساندند. حکومت پهلوی نیز از محتوای آن بسیار ترسناک و خشمگین شده بود و با اقدامات دیپلماتیک و قانونی نیز نتوانست آن را تعطیل کند، فقط تغییر اوضاع آلمان بود که موجب تعطیلی آن گردید. تعدادی از شماره‌های این نشریه مخفی اکنون کشف و شناسایی شده است ولی صدرهاشمی آن را رؤیت نکرده بوده است.

صدرهاشمی شرحی درباره آن دارد که عیناً در اینجا می‌آوریم:

«در سال ۱۳۰۹ شمسی یک مجله سری به نام «پیکار» در شهر لیبزیک آلمان، به زبان فارسی؛ تاسیس و منتشر شده است. نگارنده تاکنون نمونه از این مجله و یا روزنامه به دست نیاورده‌ام و اطلاعاتم راجع به آن عبارت است از مطالبی که ذیلاً به نقل از خواندنی‌ها از روزنامه دماوند، نقل می‌نمایم، و آن این است:

در سال ۱۳۰۹ یک مجله سری به زبان فارسی به نام «پیکار» در شهر لپزیگ آلمان چاپ و منتشر می‌شد و به طور مخفی به ایران می‌رسید. مدیران در مقابل مقامات آلمانی یک نفر اتریشی به نام «ویر» و اداره‌کننده واقعی‌اش «مرتضی علوی» بود. در آن وقت هنوز حزب ناسیونالیست سوسیالیست [نازیسم] در آلمان تشکیل نشده یا قوامی نگرفته بود، کمونیست‌ها بسیار قوی و دارای قریب ۸۰ نماینده در «مجلس رایشستاخ» آلمان بودند، ولی اکثریت در دست حزب سوسیال دموکرات و دکتر بونیک لیدر آن حزب نخست‌وزیر یا رئیس حکومت آلمان بود. تمام قرائن و امارات نشان می‌داد که نویسندگان روزنامه یا مجله «پیکار» نه تنها از آزادی رژیم داخلی آلمان استفاده کامل می‌کردند بلکه از برخی راهنمایی‌ها و کمک‌های فکری بعضی از مامورین وزارت خارجه آلمان هم شاید برخوردار می‌گردیدند. اماره و بینه‌ای که این نظریه را تایید می‌کرد پاره‌ای از مندرجات روزنامه مزبور بود، چه مدارک و اسنادی در روزنامه پیکار منتشر می‌شد که تهیه آنها در نظر ارباب بصیرت برای مرتضی علوی یا چند نفر محصل ایرانی مقیم آلمان دشوار می‌نمود و قهری بود که دسترس یافتن بدانگونه اسناد و مدارک فقط از عهده یک دولت با سازمان‌های منظم ساخته است.

بعدها به طوری که گفته می‌شد مرحوم فرخی نیز به اتفاق سالار منظم سنجابی برادر مرحوم سردار اقتدار سنجابی عموی دکتر سنجابی فعلی از ایران فرار کرده و در آغاز روزنامه‌ای با اسم «آتش» در خارج ایران چاپ می‌کرد، به برلین رفته و به دسته نویسندگان روزنامه پیکار ملحق شد. گروهی هم احتمال می‌دادند روزنامه پیکار و فرخی با تشکیلات خبرگیری سری که در پستخانه و تلگرافخانه و مالیه کشف و به کمیته «ایرانیان» معروف شد بی‌ارتباط نبوده و برخی از مدارک و اسناد روزنامه پیکار به وسیله این تشکیلات، تشکیلات ایرانیان؛ تهیه می‌گردیده است. به هر حال انتشار روزنامه پیکار در آلمان سر و صدای زیادی در ایران ایجاد کرد، در چنان شرایط حکومت دیکتاتوری ایران به هیچ وجه نمی‌توانست تحمل کند که روزنامه انتقادی شدید و حتی انقلابی به زبان فارسی در آلمان چاپ بشود و با وجود نهایت درجه دقت پلیس به مقادیر زیادی به ایران وارد و پخش گردد و مردم آن را با حسن قبول بخوانند و بروز ندهند. آن‌طور که اهل اطلاع در همان موقع می‌گفتند حکومت وقت خبر انتشار روزنامه پیکار را از مامورین سیاسی خود در خارجه دریافت کرده و به ادارات انتظامی و پلیس دستور اکید داده بود که با نهایت مراقبت از ورود آن روزنامه به ایران جلوگیری نموده و در دست هر کسی ببینند ضبط و خواننده را توقیف کنند. با وجود این از آن روزنامه به مقدار زیادی به ایران می‌رسید و حتی یک نسخه هم به دست پلیس نمی‌افتاد. عاقبت گویا پنج شماره از روزنامه پیکار که پس از وصول به ایران در لای بسته‌های روزنامه اطلاعات از تهران به عنوان روزنامه استقامت کرمان فرستاده بودند بر حسب تصادف به دست پلیس افتاده بود و از قرار معلوم همین پنج نسخه بوده که مدرک اقدامات حکومت وقت ایران قرار گردیده بود.

باری، پس از کشف آن پنج نسخه ظاهرابه اشاره مقامات بالاتر آقای فهیم‌الملک نماینده مجلس موضوع را در یکی از جلسات پارلمان عنوان و به وزارت خارجه حمله کرد که چرا جلو این گونه انتشارات را نمی‌گیرد؛ متعاقب آن مرحوم محمد علیخان فرزین وزیر مختار ایران در برلین به دستور دولت ایران وکیل گرفته بر علیه مدیر مسوول روزنامه پیکار در محاکم آلمان اقامه دعوی کرد و حالا به چه جهت بود عاقبت هم دیوان عالی لایپزیک که طرز حسن قضاوت آن معروف عالم بود مدیر روزنامه مزبور را تبرئه و سفیر ایران را به تادیبه ۴۰ هزار مارک خسارت دعوی محکوم نمود. (شماره ۵۱ سال هشتم خواندنی‌ها مورخ شنبه هشتم اسفندماه ۱۳۲۶ شمسی).

تا اینجا آنچه نقل کردیم مربوط به روزنامه پیکار بود پس از آن در مقاله مذکور از روزنامه پیکار معاهده‌ای به نام «معاهده اهواز» نقل نموده و مدعی است که این معاهده را اعلیحضرت ققید یا شیخ خزعل منعقد نموده است. برای اطلاع از آن خوانندگان به روزنامه دماوند یا مجله خواندنی‌ها مراجعه فرمایند.

آقای حسین مکی در مقدمه‌ای که بر دیوان فرخی نوشته نیز اسمی از روزنامه پیکار به میان آورده و در شرح احوال فرخی، مدیر روزنامه طوفان، چنین می‌نویسد: «پس از ورود به برلن باز هم از تعقیب افکار آزادیخواهانه خود دست برداشت و بلافاصله مقالاتی چند در مجله پیکار (۱) بر علیه حکومت استبداد و زور آن روز ایران منتشر کرد چیزی نگذشت که سفیر ایران مقیم برلین جلسه محاکمه‌ای به وکالت از طرف شاه سابق بر علیه مدیر نامه پیکار و نویسندگان آن تشکیل داد سفیر نامبرده مدعی بود که مقالات این مجله منافی با شأن کشور شاهنشاهی ایران و شاه است. محکمه متعاقب این دعوی حکمی بر علیه شاه سابق و علیه مدیر مجله و نویسندگان آن صادر نمود.»^(۸)

۷- روزنامه خلافت

روزنامه خلافت، به زبان‌های فارسی، عربی و ترکی در شهر لندن پایتخت انگلستان تاسیس و در سال ۱۳۲۴ قمری منتشر شده است.

خلافت به مدیریت «حاج شیخ حسن تبریزی» و با همکاری «نجیب هندیا» و «امین هندیا» که ناشر شهر قاهره است، تاسیس و شماره اول آن در تاریخ ۹ جمادی الاول ۱۳۴۲ قمری انتشار یافته است. براون که نمونه‌های این روزنامه را در دست داشت می‌نویسد: «من از نمره یک تا ۱۳ آن را دارم که اولی در اول ماه ژولی ۱۹۰۶ و آخری آن در پانزدهم فبریه ۱۹۰۷ میلادی منتشر گردیده است. بنا به نوشته براون (ص ۸۱ کتاب مطبوعات و شعر فارسی) هر شماره روزنامه در چهار صفحه به قطع ۸/۵ × ۱۴ سانتیمتر و وجه اشتراک سالیانه آن بدین قرار است: در انگلستان هشت شیلینگ، در ایران ۲۰ قران، ترکیه و مصر ۵۰ مجیدی، در روسیه ۴ منات، در اروپا و چین ۱۰

فرانک لازم است .

از مدیر خلافت فارسی شیخ حسن تبریزی با عنوان «مدیر وطن پرور ما» یاد شده است .
شیخ حسن در سال‌های ۱۹۰۷ تا ۱۹۰۸ دستیار پروفیسور ادوارد براون در دانشگاه کمبریج بود و همان هنگام مقاله‌ها و ترجمه‌هایی از او در روزنامه‌های داخل ایران ، به ویژه تبریز ، به چاپ می‌رسید . وی در پایان سال ۱۳۲۸ قمری روزنامه عصر را در تهران منتشر ساخت .

لازم است یادآور شویم که این روزنامه خلافت غیر از روزنامه «الخلافة» است . که آن هم در شهر لندن به زبان عربی تاسیس و منتشر گردید . الخلافة به مدیریت دکتر لوئیس صابونچی در سوم کانون‌الثانی سال ۱۸۸۱ میلادی تاسیس شده است . این روزنامه تاثیر مهمی در سیاست ملل شرق عموماً ، ملل اسلامی خصوصاً داشته و به تمام کشورهای جهان فرستاده می‌شد . شرح این روزنامه و بیان احوال مدیر آن در جلد چهارم تاریخ الصحافة العربیة به تفصیل ذکر شده است .

نوشته زیر از روزنامه «خلافت» مورخ یوم یازده جمالی اول ۱۳۲۴ قمری نقل می‌گردد :

«عرض مخصوص به روزنامه خلافت که از چند سال به این طرف علم‌ها وخواهی عالم اسلامیت را بر دوش گرفته و در ایقاظ مسلمانان از خواب غفلت و هدایت گذشتگان وادی استبداد و اسارت به شاهراه حریت و مدنیت در سایه همت عالی مدیر وطن پرور ما «با وجود آن همه اقدامات و تشبیهات مجدانه و ملوکانه سلطان عثمانی عبدالحمیدخان ثانی ، که در اطفای این نور که ضیاء بخش عالم اسلامیت است نموده ، کوشش خود را به اندازه‌ای رسانده که از دولت . . . انگلستان کرا را حکم بر تعطیلی او را خواهش کرد ، ولی به واسطه منافی بودن به قانون مدنیت و حریت انگلیز خواهش سلطان عظیم‌الشان مقبول نگردید ، تنها به لسان عربی و ترکی انتشار یافت»^(۹) .

در این ایام اخیر ، گاهگاه مسائل متعلق به منافع دولت علیه ایران را منظور و مقالات مفیده به حال وطن عزیز با زبان شیرین فارسی نیز درج و پیشگاه ارباب معارف تقدیم شد ، ولی چون در سایه بلند اعلیحضرت اقدس پادشاه ایران (مظفرالدین شاه) ایدالله بنصره العزیز ، بازار معرفت را در ممالک وسیعه ایران رواجی تازه و رونقی بی‌اندازه بعد از جلوس همایونی پیدا شد ، تشنگان آب حیات معرفت خواهشمند آن شدند جریده خلافت با زبان فارسی نیز نسخه جداگانه طبع شود . تا برای ملت فایده بیشتر و بهتر نماید . مدیر وطن پرور ما نیز خواهش ایشان را با کمال افتخار با جواب «بدین مؤده گرجان فشانم رواست» قبول و از این تاریخ احداث خلافت را به زبان شیرین فارسی نیز متوکلا الی الله کمر همت بر میان بسته ، انتشار دادند .^(۱۰)

۸- مجله راهنمای بانوان

طبق اشاره صدرهاشمی در ذیل شرح مربوط به روزنامه آزادی شرق ، این مجله به زبان فارسی

توسط عبدالرحمن سیف‌آزاد در برلین منتشر می‌شده است. (۱۱)
بیش از این هیچ‌گونه اطلاعاتی درباره آن نداریم.

۹- مجله رهنمای دهقان

این مجله در سال ۱۳۴۱ هجری قمری در برلین آلمان منتشر می‌شده است. به نمونه‌های آن دسترسی پیدا نکردیم ولی در مجله «ایران‌شهر» تحت عنوان «مطبوعات تازه» چنین آمده است: «راهنمای دهقان، مجله‌ای است ماهیانه راجع به فلاحت که از طرف آقای صمصام‌الملک بیات مهندس فلاحت که از جوانان تحصیلکرده و بااخلاق و متشبت هستند عجلاله در برلین چاپ می‌شود و چون مقصود نویسنده فقط خدمت به زراعت مملکت می‌باشد هرگونه فداکاری شخصا به عهده گرفته و وجه اشتراک را فوق‌العاده ارزان قرار داده‌اند که در میان افراد ملت بیشتر انتشار پیدا بکند، پس از دو شماره این مجله در طهران نشر خواهد شد و دارای مطالب بسیار مفید عامی و عملی می‌باشد. این همت آقای بیات که خود یکی از ملاکین معتبر ایران می‌باشند شایان تحسین و تاسی است. ما از وکلای مجله ایران‌شهر خواهش می‌کنیم که در ترویج این مجله بذل همت بکنند. قیمت هر نسخه سی شاه‌یست.» (۱۲)

مرحوم محمد صدرهاشمی به این مجله اشاره‌ای نکرده است و اکنون ما نمی‌دانیم که آیا این وعده عملی شده و رهنمای دهقان پس از شماره دوم جهت انتشار به ایران منتقل شده و یا اصولاً ادامه نیافته است.

۱۰- روح‌القدس سوئیس

روزنامه روح‌القدس معروف همان است که در تهران به مدیریت روحانی‌ای به نام «سلطان‌العلماء خراسانی» منتشر می‌شد. این روزنامه در مشروطه‌خواهی و نیز ضدیت با محمدعلی‌شاه بسیار تند و شهره آن روزگار بود. این روزنامه در تاریخ ۲۵ جمادی‌الثانی ۱۳۲۵ هجری قمری تاسیس شد و کلاً ۲۶ شماره منتشر شد. مدیر آن در روز حمله قزاق به ساختمان مجلس شورای ملی از دفتر روزنامه که در خیابان چراغ‌برق قرار داشت به صورت مسلح به مقابله با قزاقان پرداخته و در نهایت دستگیر و در باغ‌شاه به دستور محمدعلی‌شاه به وضع فجیعی کشته شد. مرحوم علی‌اکبر دهخدا که از گردانندگان اصلی روزنامه صوراسرافیل بود در هنگامه استبداد صغیر به اروپا گریخت و در سوئیس به انتشار صوراسرافیل پرداخت که سه شماره بیشتر منتشر نشد. وی سپس اقدام به انتشار روزنامه‌ای به نام روح‌القدس در همان ایوردون سوئیس نمود که آن هم تعطیل شد و فقط یک شماره درآمد. مرحوم صدرهاشمی نیز اشاره‌ای به این روزنامه دارد. (۱۳)

۱۱- مجله ستاره سرخ

نام مجله‌ای است که توسط کمونیست‌های ایرانی مقیم آلمان، ظاهرادر حدود سال‌های ۱۳۰۶ شمسی به بعد در شهر وین منتشر می‌شده و ارتباط تنگاتنگی با مجله پیکار داشته است. اصل نسخه آن رویت نشد.

صدرهاشمی نیز هیچ اشاره به آن ندارد. ولیکن فهرست کامل مطالب آن در نشریه‌ای به نام «مانیفیست» - به زبان فارسی - منتشره در تابستان ۱۳۵۴ آمده است.

۱۲- صنایع آلمان و شرق

این مجله از نادر جراید تخصصی در باب تجارت و صناعت و شناساندن مواد خام مشرق زمین به اروپاییان و صنایع اروپاییان به ایرانیان و مسلمین است. موسس و مدیر آن که در آلمان به زبان فارسی و چند زبان دیگر منتشرش می‌ساخته شخصی به نام «عبدالرحمن سیف‌آزاد» بوده. وی از مروجان و حامیان مطبوعاتی رضاخان پهلوی و نیز هیتلر و مروج آن در ایران بوده است. او وقتی از آلمان به ایران برگشت در سال ۱۳۱۱ هجری شمسی روزنامه‌ای را به نام «ایران باستان» در تهران راه‌اندازی کرد که از مساعدت‌های آلمان‌ها نیز بی‌بهره نبوده است و در آن دوستی ایران و آلمان نازی و نیز تحولات و ترقیات آلمان نازی را تبلیغ می‌شد. صدرهاشمی شرح مفصلی در باب مجله «صنایع آلمان و شرق» دارد که عینا ملاحظه می‌گردد.

«مجله صنایع آلمان و شرق در شهر برلین به نویسندگی و مدیریت مسوولی «سیف‌آزاد» تاسیس و شماره اول آن در ماه مه ۱۹۲۱ میلادی به زبان‌های فارسی، عربی، ترکی، هندی و آلمانی نوشته شده، همه ماهه یک شماره از آن با کاغذ و چاپی بسیار عالی طبع و انتشار یافته، مجله صنایع آلمان و شرق در هر شماره و زیر اسم مجله، بدین قسم معرفی شده: «مجله‌ایست مصور برای معرفی تجارت صنایع و فابریک‌های مهم دنیا و آلمان به اهل مشرق زمین و معرفی مواد خام مشرق برای فابریک‌های آلمانی و رابطه بین تجار محترم مشرق و آلمان. مقالات سیاسی و علمی ادبی و تفریحی را هم دارا خواهد بود.»

همان قسم که در سطور فوق ذکر شده مجله صنایع آلمان و شرق در درجه اول به منظور معرفی کارخانه‌های آلمان و اروپا به اهالی مشرق زمین تاسیس یافته و به همین جهت در هر شماره علاوه بر اعلانات بزرگ و رنگی راجع به محصولات کارخانه‌های مهم آلمان، شرح مفصلی از این کارخانه‌ها و صنایع اروپا و آلمان ذکر گردیده و پرواضح است که این قبیل مقالات محتاج به تصویر مختلف مربوط به موضوعات می‌باشد. از باب مثال یاد آورد می‌شویم که شرح تشکیلات و عظمت کارخانه لوکوموتیو و اتومبیل‌سازی هنتشل و پسران در آلمان و نیز تفصیل کارخانه «آه‌گه» در آلمان

قسمتی از مندرجات این مجله را تشکیل می‌دهد. بعدادر جای که فهرست مندرجات دو سه شماره مجله را نقل می‌نماییم این قسمت بیشتر واضح می‌گردد. و نیز چنان‌که یادآور شدیم علاوه بر این نوع مقالات اجتماعی و علمی گاهی در مجله چاپ شده است. به طور کلی باید درباره انتظار این مجله و نظایر آن در نظر داشت که آلمان‌ها بعد از جنگ اول دست به یک رشته تبلیغات دامنه‌دار و وسیعی برای معرفی صنایع خود به دنیا و به شرق زدند و یکی از طرق تبلیغات نشر همین مجله بوده است. مجله صنایع آلمان و شرق به مدیری سیف‌آزاد ظاهرادر اواسط سال ۱۳۰۲ تاسیس شده و مدت چند سال یعنی تا سال ۱۳۰۵ دوام داشته، منتهی مرتب همه ماهه منتشر نمی‌شده است. درباره تاسیس و نظر مجله در سال مذکور اعلانی در شماره ۹ سال اول «روزنامه طلوع» مورخ ۲۹ دلو ۱۳۰۲ شمسی بدین قسم طبع گردیده: «مجله صنایع آلمان در رشت و کالت آن راجع با این بنده است. کسانی که مایل به اشتراک آنها می‌باشند به این جانب رجوع کنند. «ابوالقاسم کسائی»، از اعلام مذکور ثابت می‌شود که مجله در سال ۱۳۰۲ منتشر می‌شده است.

مجله صنایع آلمان و شرق از حیث ظرافت و زیبایی طبع و کاغذ و تصاویر دست‌کمی از مجلات خارجی ندارد و اکنون با این که بیست و چند سال از انتشار آن می‌گذرد هنوز نظیر آن در بین مطبوعات فارسی نیست. شماره ۶۵ سال ششم مجله دارای عده صفحات اصلی و چند صفحه اعلانات رنگی، به قطع خستی، در ماه دسامبر ۱۹۲۶ میلادی مطابق سال ۱۳۴۵ قمری منتشر شده. مندرجات این شماره به یک مقاله تحت عنوان «صناعة اللبني و درة نواسط الطرق الفنيه الحدیثه» به قلم دکتر مارتینی شروع می‌گردد، پس از آن مقاله اهمیه اقتراب المریخ من الارض و الاكتشافات التي ترتبت عن ذلك» و صفحات ۱۱ و ۱۲ مجله که قسمت عربی آن خاتمه پیدا می‌کند: «احصائيات و اخبار صناعة متنوعه» چاپ شده است.

از صفحه سیزدهم مجله قسمت فارسی آن شروع می‌شود و این قسمت با «ترجمه مکتوب مدیر مجله صنایع آلمان و شرق با آقای دکتر اشتر زمان وزیر امور خارجه آلمان» آغاز می‌گردد. پس از آن مقاله «اهمیت و فواید راه‌آهن برای تجارت و واردات صادرات ایران». بقیه از شماره قبل به قلم مدیره جریده استرخ و مقاله «تجارت و طرز ساخت کبریت جدید» و مقاله «مجمع اطلاعات نیسه» و مقاله «طرف موتور کار در داخله آسیا» و مقاله «از شماره قبل، مجمع از تشکیلات و عظمت کارخانه لوکوموتیو و اتومبیل سازی هنشل و پسران در آلمان» و مقاله «تفصیل کارخانه آه‌گه در آلمان» و مقاله «طوفان در یکی از بهترین شهرهای قشنگ آمریکا» و مقاله «دخالت شخصیت در اکونومی و خانه‌داری آمریکایی» و قسمت «مرام‌نامه اتاق تجارتي آلمان» و مقاله «مدرسه اتحادیه ایرانیان در بحرین» و مقاله «تولید الکتریسیته به وسیله موتورهای بادی، بقیه از شماره قبل». مجموع این مقالات تا صفحه ۲۴ مجله قسمت فارسی آن را تشکیل می‌دهد.

پس از آن قسمت ترکی مجله «ترکجه قسمی» و با مقاله «آلمان او طومبیل سرکی» شروع می‌گردد. مقاله دوم قسمت ترکی مجله تحت عنوان «نوربزه غده»، «اشوان قورشون قلم نابریقه سنی زیارت ایدن محرر یمزک انطباعاتندن» می‌باشد و به همین مقاله قسمت ترکی مجله پایان یافته است. بعد از قسمت ترکی، قسمت «هندوستانی» مجله و با این مقاله «کوئله پگهلای کی ایجاد» شروع می‌گردد. مقاله دوم تحت عنوان مفسده کهره و مقاله سوم تحت عنوان «جز اثر هند» نوشته شده است. بقیه مندرجات مجله به زبان آلمانی است که احتیاجی به نقل عناوین مطالب آن نیست.

اعلانات مجله که اغلب همراه با تصویر است گاهی تمام یا نصف صفحه مجله را گرفته به زبان‌های آلمانی و فارسی و عربی است. درباره اعلان و قیمت آن در مجله روی جلد مجله این‌طور نوشته است: «هرگاه مایلید که تجارخانه‌های خودتان را به فابریک‌های آلمانی معرفی نمایید؛ هرگاه مایلید اجناس و مواد خود را مستقیماً به تجارخانه‌های بزرگ و فابریک‌ها بفروشید در مجله صنایع اعلان کنید. مجله صنایع را برای ۱۵۰۰ فابریک و تجارخانه‌های عمده می‌فرستیم و کوشش ما این است که تا سال آینده دو هزار فابریک و ادارات و تجار بزرگ مجله صنایع را آنبونه شوند. قیمت اعلانات: یک صفحه ۶ لیره انگلیسی. نیم صفحه سه لیره و نیم. چهار یک صفحه یک لیره و نیم. هشت یک صفحه یک لیره». قیمت وجه اشتراک سالانه در ایران سه تومان، سایر ممالک ۳ دلار، برای معلمین و محصلین و کارگران زارعین دو دلار. محل اداره: برلین ۰ و ۵۰»^(۱۲)

عبدالرحمن سیف‌آزاد که در سال ۱۲۶۱ متولد شده و خدمت مطبوعاتی را از جوانی آغاز کرده و مدت‌ها مجلات مختلفی از قبیل «آزادی شرق»، «صنایع آلمان و شرق» و «ایران نو» را در آلمان منتشر نموده و از سال ۱۳۱۲ تا ۱۳۱۶ نیز روزنامه «ایران باستان» را در تهران بطور مرتب انتشار داده. سیف‌آزاد در سال ۱۳۵۰ دارفانی را وداع گفت.

۱۳- صوراسرافیل ایوردون

روزنامه صوراسرافیل نخست در تهران و در سال ۱۳۲۵ قمری تاسیس و منتشر گردید. بانی و مدیر آن میرزا جهانگیرخان شیرازی و میرزا قاسم‌خان تبریزی به طور مشترک بودند. این روزنامه حامی قانون، مجلس شورای اسلامی و انقلاب مشروطه در ایران بود و از منافع روستائیان و ضعفا حمایت می‌کرد. دبیر و نویسنده آن نیز میرزا علی‌اکبر دهخدا بود که با انتخاب نام مستعاره «دخو» سلسله مقالاتی را زیر عنوان «چرند و پرند» آمیخته به ادبیات طنز می‌نوشته. طنز سیاسی و اجتماعی چرند و پرند یادآور هم‌شهری قدیمی دهخدا «عبیدزاکانی» است که معروفیت همگانی دارد و در آن

دوره، ابداعی و جدید می نمود.

روزنامه صوراسرافیل در تهران و بعد از تاسیس مجلس شورای یک بار «توقیف» شد و مجدداً منتشر گردید. احتمالاً به دلیل سر مقاله شماره ۱۲ آن بوده است. ولی مجدداً منتشر گردید و مجموع شماره‌های آن ۳۲ شماره است که آخرین شماره آن به سه روز قبل از به توپ بسته شدن مجلس یعنی ۲۰ جمادی‌الاول ۱۳۲۶ هجری قمری است که در صفحه آن حوادث میرزا جهانگیر نیز دستگیر و کشته شد. اما «دخو» یا همان دهخدا به اروپا گریخت و در سوئیس مجدداً چهار شماره از صوراسرافیل را با همان شکل و شمایل منتشر نمود که ظاهراً با فشار محمدعلی شاه و سفارت ایران از انتشار آن نیز جلوگیری گردید. در این چهار شماره به ویژه اعلامیه‌ها، احکام و فتاوی‌ای مراجع تقلید نجف اشرف مانند آخوند خراسانی و مازندرانی چاپ شده و بر «خلع» محمدعلی شاه از مقام سلطنت به استناد فتاوی‌ای مراجع دینی نجف تأکید مضاعف گردیده است.

محمد صدر هاشمی، مورخ مطبوعات ایران راجع به آن چنین نوشته است: «پس از آنکه میرزا علی اکبر دهخدا دبیر روزنامه صوراسرافیل از ایران به اروپا رفت، در شهر ایوردون از بلاد سوئیس روزنامه‌ای به نام صوراسرافیل نظیر روزنامه صوراسرافیل تهران، تاسیس و منتشر نمود. از این روزنامه صوراسرافیل مجموعه چهار نمره که نمره اول آن در محرم ۱۳۲۷ قمری و نمره سوم آن در تاریخ ۱۵ صفر سال مذکور انتشار یافته است. قیمت اشتراک روزنامه در تبریز ۱۵ فرانک، در سایر شهرهای ایران ۲۰ فرانک و در ممالک خارجه ۲۵ فرانک.

«روزنامه چهره‌نما» منطبعه مصر در شماره ۶۴ سال پنجم خود مورخ ۲۰ ذیحجه ۱۳۲۶ قمری طلوع صوراسرافیل را بدین قسم اعلام نموده است: «اعلام روزنامه صوراسرافیل: گرامی نامه نامی و روزنامه گرامی صوراسرافیل که یک سال و اندی با چهره معرفت‌پاش و درخشنده و رخساری تربیت‌ریز و حریت بخشنده در وسط سمای آمال و امانی وطن پرتوافشانی می نمود و از دل‌ها جهالت مالا مال ستم‌دیده زنگ بی‌دانشی می زدود و گم‌گشتگان وادی غفلت را شاهراه ترقی و عمران می نمود تا در و مه ۲۳ جمادی‌الاول ۱۳۲۶ در تهران نخستین مدیر صائب‌التدبیرش سر صف شهدای راه حریت و فدای استقلال وطن و ملت «میرزا جهانگیرخان شیرازی» تنش به دار بیداد آویخته و خاک ندامت و حریت بر سر آرزومندان‌ش بیخته شد و اوراق حیات بخشش که اثر خامه مشکین تامه یگانه دبیر دانا و فرزانه ادیب توانا میرزا علی اکبرخان قزوینی بود یکجا سوخت که حالا از آن دریای قضیه فاجعه نمی، و از آن خرمن فجیله کمی نتوانم نگاشت. عجالاً آن روزنامه گرامی (صوراسرافیل) مجدداً با قلم همین میرزا علی اکبرخان کمافی‌السابق در شهر «ایوردون» که یکی از شهرهای سوئیس است رونق افروز می گردد. البته هموطنان گرامی قدر این در گرانبها را که به یادگار شهدای راه حریت علم می گردد مغتنم دانسته و به آدرس ذیل طلب فرمایند تا کامیاب

گردند: ایوردون، سوئیس، اداره روزنامه گرامی صوراسرافیل.

تفضیل تاسیس و انتشار و طبع روزنامه صوراسرافیل در سوئیس: ضمن یک مقاله تحت عنوان «اقدامات مشروطه‌خواهان ایران در فرانسه و سوئیس» در مجله ماهانه اطلاعات، شماره ۱۱ بهمن ۱۳۲۷؛ ذکر نموده که از آن مقاله آنچه مربوط به این موضوع است عیناً نقل می‌نماییم: «مرحوم معاضدالسلطنه پس از مراجعت از انگلستان به فکر می‌افتد که مرکزی برای قوای متشتت ملیون ایرانی که در اقطار و اکناف دنیا پراکنده شده بودند فراهم نماید و برای این منظور انتشار روزنامه‌ای را واجب می‌بیند به همین نظر پس از مشورت با میرزا علی‌اکبرخان دهخدا شروع به کار می‌نمایند و تصمیم می‌گیرند که روزنامه صوراسرافیل را منتشر نمایند. . . . مرحوم معاضدالسلطنه تصمیم گرفته بود که روزنامه را به همان اسم صوراسرافیل منتشر کند و خواهیم گفت چگونه با مخالفت سیاسیون میان‌رو مواجه شد. برای مرکز انتشار روزنامه ابتدا شهر پاریس را در نظر گرفتند ولی روزی که به همراهی آقای دهخدا به بیست و دو مطبوعه پاریس که حروف فارسی (به اصطلاح اروپاییان حروف عربی) داشتند مراجعه نمودند هیچ‌یک حاضر به طبع روزنامه نشدند و علت آن این بود که صمدخان ممتازالسلطنه سفیر ایران در پاریس با مراجعه به ادارات دولتی فرانسه طوری ذهن فرانسویان را مشوب کرده و ایرانیان آزادیخواه را آثار شیطست جلوه داده بود که دوایر دولتی به تمام مطابع دستور داده بودند که از چاپ نشریه متعلق به آنها خودداری کنند. این یک سنگ بزرگی بود که از بدخواهی ممتازالسلطنه در جلو پای ملیون انداخته بود، ولی هوش و سرعت انتقال یک ایرانی پاک و شریف این نقیصه را برطرف کرد. بدین معنی که آقای شیخ محمدخان علاء (معاصر جناب آقای محمد قزوینی) که در آن تاریخ در پاریس بودند پیشنهاد نمودند که چون دکتر جلیل‌خان (مرحوم دکتر جلیل‌خان ثقفی برادر مرحوم اعلم‌الدوله ثقفی) کتاب چاپ می‌کند قسمت‌های مختلف روزنامه را به عنوان کتاب ایشان در همان مطبوعه به چاپ برساند. این راه عملی بود، چه صاحب مطبوعه که فارسی نمی‌دانست ملتفت این تردستی و باهوشی ایرانیان نمی‌شد.

آقای معاضدالسلطنه مرکز کار روزنامه را به سوئیس در شهر کوچکی به نام ایوردون منتقل کرد. شایان ذکر است که با کیفیاتی که ذکر شد پاریس را برای مرکز فعالیت‌های ایرانیان تندر و صلاح نمی‌دانست و علت این انتخاب این بود که ایشان چند وقت در آن شهر تمیز و بی‌سر و صدا اقامت کرده بودند و آن نقطه بی‌مزاحم و بی‌دردسر را بهتر از هر جایی دانستند. به همین جهت در هتل دولا پری همانجا که چند ماه محل سکونت اتابک بود چند اتاق برای آقای دهخدا و حاجی میر پنج برادر حکیم‌الملک و آقای میرزا قاسم‌خان (میرزا قاسم‌خان همکار میرزا جهانگیرخان در صوراسرافیل) به روزی پنج فرانک سوئیس معادل ۱۱ قران ایران تهیه و سالونی نیز برای دفتر کار روزنامه در همان هتل اجاره نموده و قرار شد که آقای دهخدا مطالب را تهیه و به تدریج به پاریس بفرستد تا به همت و

نظارت شیخ محمدخان به اسم کتاب دکتر جلیل خان به چاپ برسد. آقای دهخدا نویسنده مقالات معروف «چرند و پرند» صوراسرافیل در پاریس به سوئیس منتقل شده بودند. مقالات چرند و پرند ایشان انعکاس فراوانی در اروپا نموده بود و به طوری که ایشان خود می گویند آن مقالات در دو مجله عالم اسلامی و مجله دو دنیا ترجمه شده بود و در همان ایام اقامت در پاریس نیز روزنامه های لوژورنال و بتی ژورنال و اکسلسیور از ایشان درخواست نوشتن چرند و پرند را نموده بودند که در آن روزنامه ها ترجمه و طبع شود، اما مرحوم معاضدالسلطنه ایشان را از این کار باز داشته و به عنوان آنکه این فعالیت ها باید در روزنامه صوراسرافیل انجام شود ایشان را به سوئیس بردند.

اما اینکه چرا در لندن روزنامه را منتشر نکردند شاید غیر از علتی که در سطور گذشته نوشته شده عدم اطمینان بود که آزادیخواهان ایران به دولت انگلستان داشتند... پروفیسور ادوارد براون سعی داشت در اینکه مرکز روزنامه در لندن باشد و حتی در مکتوبی که بعد از انتشار صوراسرافیل به مرحوم معاضدالسلطنه فرستاده نوشته بود که در اینجا قسمتی از نامه براون نقل شده که برای اطلاع از آن به اصل مجله مراجعه شود با این اصرار پروفیسور براون، معاضدالسلطنه ایوردون را ترجیح داد، چون از دولت انگلستان ظنین بود...

انتشار صوراسرافیل در ایوردون و تجدید حملات سخت و تند به شاه چه در پاریس و چه در تهران، ایرانیانی که هنوز امیدوار بودند با محمدعلی شاه کنار بیایند یا آنکه وزارت و سفارت را بر اصلاح حال مردم ترجیح می دادند و اداشت تا بدین کار اعتراض کنند و حتی اگر بتوانند مانع از انتشار آن شوند، چون روزنامه صوراسرافیل در اندک مدتی انتشار فراوان یافت و ایرانیان از اطراف دنیا با این روزنامه مربوط شدند و سبک صوراسرافیل سوئیس همان نبود که در زمان مرحوم جهانگیرخان بود و آقای دهخدا به تنهایی تمام مطالب روزنامه را تهیه می نمود و مقالات چرند و پرند را نیز کمافی السابق به نام دخومی نوشت.

علت آنکه عمده این مقاله را از مجله اطلاعات ماهیانه نقل کردیم این است که نویسنده مقاله از مطلعین و کسانی که دخالت در انتشار روزنامه داشته و یا آن ایام در اروپا بوده مطالبی شنیده و کسب کرده و از این جهت مقاله مذکور از هر حیث قابل دقت است. نویسنده مقاله در این شماره وعده داده که «در شماره آینده خواهیم گفت که چگونه آزادیخواهان با همه اشکال تراشی معتدلین، روزنامه را چاپ کردند و عمل آنها چه انعکاسی نمود». خوانندگان برای مزید اطلاع می توانند به اصل شماره های مجله مراجعه فرمایند. (۱۵)

۱۴- روزنامه قانون

روزنامه لندن جریده ادواری که در سال ۱۳۰۷ قمری توسط میرزا ملکم در شهر لندن تاسیس

و منتشر شده است این جریده هیچ‌گاه به صورت روزانه چاپ نشده است. در اوایل به صورت ماهانه منتشر می‌شد و در سال‌هایی حتی این ترتیب نیز برهم خورد و عملاً به صورت گاهنامه چاپ و منتشر می‌شد ولی طبق اصطلاح که ترجمه‌ای از «گازت» است به روزنامه مشهور شده است. این جریده در مجموع ۴۱ شماره دارد که مجموع آن، با پژوهش و مقدمه خوب خانم همانا ناطق در سال ۱۳۵۵ توسط انتشارات امیرکبیر مجدداً در یک مجلد چاپ شده است. روزنامه قانون بدون تردید تاثیر عمیقی بر روند قانون‌خواهی، مجلس‌خواهی و مشروطه‌طلبی ایرانیان داشته است. یکی از شماره‌های فصلنامه یاد (شماره ۸۲) به‌طور کامل و ویژه درباره روزنامه قانون می‌باشد و لذا علاقه‌مندان به تفصیل را بدانجا حواله می‌دهیم.

۱۵- روزنامه کاوه

روزنامه یا مجله کاوه یکی از جراید ادواری نیرومند، جذاب و اثرگذار در تاریخ ادبیات فارسی است. این جریده توسط سیدحسن تقی‌زاده سیاستمدار مشهور عصر مشروطه تاسیس و مدیریت می‌شد. محل انتشار آن شهر «برلین» پایتخت آلمان بود. نخستین شماره از سال اول کاوه در تاریخ ۱۸ ربیع‌الاول سال ۱۳۳۴ قمری به صورت دو هفته یک بار چاپ و منتشر شده است. کاوه هم در سیاست و هم در ادبیات ایران و ایرانیان اثرات عمیقی داشته است. این جریده در زمان حکومت نازی‌ها و هیتلر بر آلمان و در اوج جنگ جهانی دوم منتشر می‌گردید و مبلغ سیاست‌های رسمی آلمان نازی و متحدین آن کشور در جنگ مانند دولت عثمانی، اتریش و بلغارستان بود. کاوه، دو دوره متمایز دارد. در دوره اول یک روزنامه و یا مجله کاملاً سیاسی و هماهنگ با نازی‌هاست که جمعاً ۳۵ شماره می‌شود. دوره دوم که به بعد از اتمام جنگ مربوط می‌شود کاملاً از سیاست فاصله گرفته و به صورت یک مجله تخصصی در ادبیات فارسی ظهور کرده است. با توجه به روابط گسترده تقی‌زاده با رجال ایرانی و اروپایی نویسندگان زیادی با وی در این نشریه همکاری قلمی می‌کردند و به همین هم‌اکنون کاوه (به‌ویژه کاوه دوره جدید) یکی از منابع ادبیات فارسی معاصر محسوب می‌شود. با توجه به قرابت مدیر کاوه و نویسندگان اصلی با رژیم نازی در آلمان، ناسیونالیسم و باستان‌گرایی افراطی راجع به تاریخ ایران نیز بر فضای آن حاکم است. در مورد کاوه سوالات بسیار زیادی است که هنوز به آنها پاسخ داده نشده است. مانند اینکه تقی‌زاده معروف به انگلیسی بودن بود چرا با نازی‌ها همکاری می‌نمود؟ میزان کمک مالی نازی‌ها به جریده کاوه چه میزان بوده است؟ آنالیز محتوای کاوه سیاسی که همچنان ناپرداخته شده مانده است و...

صدرهاشمی مطالب دسته‌بندی شده‌ای راجع به روزنامه کاوه دارد که در اینجا با تصرفات

مختصر ملاحظه می فرماید:

«یکی از روزنامه‌های بسیار خوب و مفیدی که به زبان فارسی منتشر شده روزنامه کاوه است. گرچه این جریده در خارج ایران منتشر گردیده ولی از لحاظ خدمتی که به زبان و ادبیات فارسی نموده و چند سال جمع زیادی از فضلا و دانشمندان ایرانی در راه طبع و نشر آن رنج فراوان متحمل گردیده جای آن را دارد که به طور مشروح و مفصل از آن گفت و گو نماییم.

کاوه در شهر برلین پایتخت آلمان به زبان فارسی هر دو هفته یک بار طبع و نشر می شده و شماره اول سال اول آن در هشت صفحه به قطع بزرگ در تاریخ دوشنبه ۱۵ شهریورماه قدیم ۱۲۸۵ یزدگردی مطابق ۱۸ ربیع الاول ۱۳۳۴ قمری و ۲۴ ژانویه ۱۹۱۶ میلادی منتشر گردیده است. انتشار روزنامه کاوه به دو دوره قسمت می شود. دوره قدیم کاوه و دوره جدید و در هر یک از این دو دوره روزنامه کاوه دارای علائم و ممیزات مخصوصی است که آن را از دوره دیگر جدا می سازد. و در دوره سرلوحه روزنامه عبارت از مردی است که درفش کاویانی در دست گرفته و عده‌ای سپاهیان و شورشیان با آلات و اسلحه‌های گوناگون به دنبال او حرکت می کنند. شرح درفش کاویانی و خصوصیات آن در صفحات ۳ و ۴ شماره اول کاوه به قلم «اوسکارمان» مستشرق و پروفیسور معروف چاپ شده و برای اطلاع از آن به آنجا رجوع شود. برای اینکه جزئیات این روزنامه مهم معلوم گردد به شرح هر یک از دو دوره جداگانه می پردازیم.

دوره قدیم کاوه: دوره قدیم کاوه با انتشار شماره اول سال اول مورخ ۱۸ ربیع الاول ۱۳۳۴ قمری شروع می گردد و با نشر شماره ۳۵ مورخ ۱۸ ذی القعدة ۱۳۳۷ قمری خاتمه پیدا می کند. روزنامه کاوه در این دوره کاملاً یک روزنامه سیاسی بوده و بیشتر مندرجات آن طرفداری از آلمان و متحدینش یعنی عثمانی و اطریش و بلغار است و همه جا فتوحات و وقایع جنگ آلمان را با آب و تاب تمامی نقل می کند و بالعکس از هر گونه انتقادی از انگلیس و فرانسه کوتاهی ندارد. بنابراین کاوه قدیم یک روزنامه سیاسی و تبلیغاتی است.

براون در کتاب تاریخ ادبیات (مجلد سوم صفحات ۳۳۸ و ۳۳۹) در جایی که از روزنامه کاوه گفت و گو می کند درباره مقالات دوره قدیمی کاوه می نویسد: «در اوقاتی که کاوه جنبه تبلیغی داشت مندرجاتش بیشتر سیاسی بود و هر چند راجع به وقایع و حوادث ایران و اعمال ملیون (کمیته دفاع ملی) مطالب سودمند درج می کرد اما در موضوع‌های ادبی تا بعد از متار که جنگ جز در بعضی شماره‌ها وارد نمی شد. مثلاً در شماره ۴ یک قطعه شعر کردی دیده می شود. در نمره ۲۰ شرح حالی از ادیب بزرگوار سید محمد صادق قائم مقامی ملقب به ادیب الممالک و متوفی در ۲۸ ربیع الثانی ۱۳۳۵ درج است. در شماره ۲۳ مقاله‌ای از پروفیسور میتوخ درباره رضا عباسی که از صنعتگران مشهور ایران است درج گردیده. در شماره ۲۶ شرحی راجع به محصلین ایران و آلمان

دیده می‌شود. در نمره ۳۳ به مناسبت و صف کتاب جدیدی که موسوم است به «راه‌نو» ولی به زبان آلمانی تحریر یافته، و نیز شرحی راجع به اقدامات و مساعی مختلف که برای اصلاح یا تغییر خط فارسی شده است به نظر می‌رسد. در شماره ۳۴ شمه‌ای در باب تاسیس انجمن ادبی ایرانیان در برلین و مکتوبی از میرزا محمدخان قزوینی در خصوص نکته‌ای راجع به املاهای فارسی درج گردیده است. در نمره ۳۵ مقاله مفصل و جالب توجهی به قلم میرزا محمدخان راجع به قدیمی‌ترین شعر فارسی که بعد از فتح عرب باقیمانده مندرج است.

این بود فهرستی از مقالات مهم دوره کاوه به نظر براون. اکنون به دنبال توضیحات راجع به این دوره کاوه می‌پردازیم.

سال اول دوره قدیم کاوه به شماره ۱۷ مورخ ۵ ربیع‌الاول ۱۳۳۵ قمری خاتمه پیدا کرده و در این سال کاوه با نظم و ترتیب مخصوصی که در شماره اول دیده می‌شود انتشار یافته و در سال اول، قطع و تعداد صفحات هر شماره به یک اندازه است. سال دوم کاوه به شماره ۱۸ و ۱۹ مورخ ۲۲ ربیع‌الثانی ۱۳۳۵ قمری مطابق ۱۵ فوریه ۱۹۱۷ میلادی که یکجا منتشر شده شروع می‌شود. سرمقاله شماره اول سال دوم به این شکل شروع می‌گردد: «سال دوم کاوه - روزنامه کاوه که در هیجدهم ربیع‌الاول سال گذشته شروع به انتشار کرده بود اینک قدم به سال دوم خود می‌گذارد. به این مناسبت می‌خواهیم یک نظر امالی به خود سیر جنگ در دنیا عموماً و ایران خصوصاً بپردازیم.»

این شماره در ۱۶ صفحه و بی‌اندازه مطالب آن مفید است و من جمله اتفاقات یک ساله ایران فهرست‌وار ذکر و نیز نقشه‌های جنگ‌های اروپا در آن ترسیم شده است.

سال سوم به شماره ۲۵ مورخ ۳ جمادی‌الاولی ۱۳۳۶ قمری شروع می‌گردد سرمقاله سال سوم که تحت عنوان «سال سوم کاوه» نوشته شده بدین قسم آغاز گردد: «سومین سال نشر روزنامه کاوه آغاز می‌شود. با وجود مشکلات فراوانی که در کار این روزنامه از هر حیث فراهم است بار کارکنان اداره آن به هر ترتیبی بوده تا به حال ۲۵ شماره نشر نموده که روی هم رفته ماهی یک شماره می‌شود. این روزنامه با آنکه توزیع مرتب و کامل آن در ایران فعلاً به واسطه جنگ . . .» در سال سوم نیز طرز و اسلوب روزنامه مانند سال‌های قبل بوده و همان قسم که یادآور شده‌ایم روزنامه چکیده جنگ اروپا می‌باشد.

دوره قدیم کاوه با انتشار شماره ۳۵ مورخ ۱۸ ذیقعد ۱۳۳۷ قمری خاتمه پیدا می‌کند و در همین شماره است که در صفحات هفت و هشت آن عهدنامه متار که جنگ بین المللی بین آلمان و متفقین چاپ شده است.

قبل از آنکه بحث درباره دوره قدیم کاوه را خاتمه دهیم بی‌مناسبت نیست قسمتی از مقاله افتتاحی

روزنامه که به عنوان «آغاز» در ستون اول شماره اول روزنامه چاپ شده نقل نماییم. زیرا که در نقل این قسمت خوانندگان تا اندازه‌ای به علل پیدایش کاوه پی می‌برند:

«آغاز کسی کو هوای فریدون کند / سر از بند ضحاک بیرون کند.»

در یک زمان فوق‌العاده تاریخی دنیا هستیم که عظمت و اهمیت آن از شدت ظهور خفا به هم رسانیده و ما چون در جریان وقایع عظیمه آن هستیم درست ملتفت دهشت هولناک آن نیستیم و فقط حرف اخلاف ما حکایت این زمان پرهراس را با هول و عجب خواهند خواند. این توفان مهیب آتش و خون که روی زمین را فرا گرفته نه تنها بعد از توفان نوح بزرگ‌ترین واقعه انقلابات عالم است، بلکه در توفان آب بقا و فنای انواع و اجناس را فلک مشحون نوح ضامن بود و فقط یک قوم عاصی محکوم به انقراض بودند، ولی در این توفان بسیاری از تر و خشک در نتیجه غفلت، غرق جهانگیر امروزه خواهند شد...

چند تن از بومیان یک کشور بدبخت و زیون دشمن یعنی ایران نیز در این روز رستخیز ملل و فزع اکبر در شهر برلین مرکز حرکات محیرالعقول جنگ جهانگیر گرد آمده و درباره مملکت ستمدیده خود فکر می‌کنند... (در اینجا شرح می‌دهد که چگونه قشون روس و انگلیس به پایتخت صفویه و داریوش رسیده و خائنین و ملت نجیب ایران زیر بار اطاعت آنها رفته است.) سپس می‌نویسد: در این حال تکلیف ماست که باز بیکار نمانیم و اگر از دور هم باشد برای بیدار ساختن و برانگیختن هموطنان خود فریاد زنییم و برای همراهی با اردوی جهاد ملی استغاثه نماییم. همین است مقصد این روزنامه کوچک که صدای ضعیف خود را در میان غلغله عالم گیر از دارالسلطنه برلین می‌خواهد به گوش ایرانیان برساند... (بعد می‌نویسد که انگلیس و روس به ایران رحم نمی‌کنند و استقلال آن را محترم نمی‌شمارند و وظیفه ایرانیان است که انتقام از این دو دشمن گرفته و استقلال ایران را باز گردانند. آنگاه از مظالم روس‌ها در شمال و آذربایجان و اینکه چقدر از بزرگان ایران را به دار آویخته و همچنین انگلیس‌ها اطراف خلیج فارس را به اسارت در آورده، شرح داده تا می‌رسد به اینکه):

با این امید که بتوانیم صدایی به صدای اولاد بیدار ایران که در هر گوشه که هستند اهمیت موقع امروز را ملتفت شده و فریاد می‌زنند بدهیم به نشر این ورقه مبادرت کردیم و اسم آن را تیمنا کاوه گذاشتیم. بدبختانه فریدونی در ایران پیدا نشد و قیام ایران بر ضد دشمنان کار خود ملت است و بس... خائنین بزرگ از ابناء خانواده سلطنتی برمی‌خیزند. لہذا ما نیز رمز رسم و راه خود را کاوه آهنگر قرار دادیم و با توسل به این اسم مبارک ایران پاک و مقدس، ایران نامدار و نجیب را مخاطب ساخته با تمام قوت روح و قلب خود فریاد می‌زنیم: برخیز این کشور نامور بلند اختر...»

قیمت اشتراک کاوه در دوره قدیم سالانه در ایران یک تومان در سایر کشورها پنج فرانک و عنوان نامه‌هایی که با آلمانی نوشته شده به این شکل است: (روزنامه کاوه - برلین - شارلوتنبورک - لیبینز

۶۴- نکته شایان توجه این است که در روزنامه کاوه اسمی از مدیر و صاحب امتیاز و مدیرمسئول نیست و همه جا در ذیل مقالات «کاوه» امضا شده است. ولی از خارج می دانیم که مدیر روزنامه آقای تقی زاده است. محل طبع روزنامه مطبعه کاویانی واقع در برلین است.

دوره جدید کاوه: این دوره که از غره جمادی الاولی ۱۳۳۸ قمری شروع گردیده روزنامه کاوه، برخلاف دوره قدیم که غیر منظم و بی ترتیب منتشر می شده کاملاً مرتب و ماهیانه یک شماره در ۱۲ و بعداً در ۱۶ صفحه بزرگ طبع و انتشار یافته است. راجع به ممیزات این دوره برآون شرح جامع و مفصلی در جلد سوم کتاب تاریخ ادبیات ایران ذکر کرده که ترجمه آن را به نقل از صفحات ۳۱۸ و ۳۱۹ ترجمه آقای رشید یاسمی نقل می نمایم:

«در ۲۲ جنوری ۱۹۲۰ میلادی نخستین شماره دوره جدید کاوه از طبع خارج شد این بار به کلی از سیاست صرف نظر کرد و توجه خود را به ادبیات و علوم معطوف داشت اما در طرز تدوین و سبک تحریر و حسن طبع میزان عالی سابق را از دست نداد. این دفعه جریده کاوه ماهی یکبار انتشار می یافت و دو سال دیگر دوام داشت آخرین شماره «نمره ۱۲» در تاریخ اول دسامبر ۱۹۲۱ چاپ شد و تقریباً دارای ۳۳ صفحه بزرگ دو ستونی بود. «به غیر از این قسمت در جای دیگر شرحی تحت عنوان «مقام ازجمند دوره جدید کاوه در ادب و انتقاد» آورده است.

شماره اول دوره جدید که دارای شماره مسلسل ۳۶ است در تاریخ غره جمادی الاخر ۱۳۳۸ قمری مطابق ۲۲ ژانویه ۱۹۲۰ میلادی منتشر گردیده و سرمقاله این شماره تحت عنوان «دوره جدید» بدین قرار است: «مقصود از دوره جدید تغییر اساسی است که در تاریخ روزنامه کاوه حادث می شود. روزنامه کاوه در زمان جنگ پیدا شد. . . روزنامه کاوه زاینده جنگ ختم شده، و صلح بین الملل در رسید، کاوه نیز دوره جنگی خود را ختم شده می داند و به یک دوره صلح شروع می کند و لهذا روش این روزنامه نیز با موقع متناسب بود و حالا که جنگ ختم شده و صلح بین الملل در رسید کاوه نیز دوره جنگی خود را ختم شده می داند و به یک دوره صلح شروع می کند و لهذا اساس و خط روش تازمانی که از اول سال ۱۹۲۰ میلادی مطابق ۹ ربیع الثانی ۱۳۳۸ کاوه جدید پیش می گیرد نسبتی با کاوه سابق ندارد و در واقع روزنامه تازه ای می شود که مندرجات آن بیشتر مقالات علمی و ادبی و تاریخی خواهد بود و مسلک و مقصدش بیشتر از هر چیز ترویج تمدن اروپایی است در ایران، جهاد بر ضد تعصب. . .»

در پایان این مقاله می نویسد: «از این سال مسئولیت اداره و همچنین مندرجات روزنامه رسماً با سیدحسن تقی زاده است. از همین شماره اول تحت عنوان مشاهیر شعرای ایران، شرح حال فردوسی ذکر گردیده است.

سال دوم دوره جدید کاوه در تاریخ ۸ شهریورماه قدیم ۱۲۹۰ یزگردی و غره جمادی الاولی

۱۳۳۹ قمری و ۱۱ ژانویه فرنگی ۱۹۲۱ میلادی شروع گردید. اولین شماره آن دارای دیباچه‌ای است به عنوان «دیباچه سال دوم کاوه دوره جدید» و با این قسمت شروع می‌گردد: «با این شماره سال دوم روزنامه کاوه شروع می‌شود و ما خوشوقتیم که با همت اشخاص علم دوست ایرانی با وجود صعوبت وسایل مرآوده پستی بار روزنامه کاوه در ایران و سایر ممالک مشرق زمین انتشار لازم یافت و سال خود را به پایان رسانید. مقصود از انتشار لازم آن است که اغلب مردم اسم این روزنامه را شنیدند - یا نمونه آن را دیدند و رنه دایره انتشار آن هنوز هم با آن وسعت نرسیده که عایدات کافی اداره آن بشود. از همت دوستان علم و معرفت امیدواریم که امسال وسعت انتشار کاوه به حد مطلوب برسد.»

در سال دوم دوره جدید روزنامه کاوه مزایای دیگری نیز پیدا کرده از قبیل اینکه تعداد صفحات آن از ۱۲ به ۱۶ ترقی نموده و نیز در هر چهار ماه یک مرتبه جزوه «تاریخ روابط روس و ایران» مستقلاً در ۱۶ صفحه چاپ شده و با شماره‌های ۴ و ۸ و ۱۲ روزنامه به مشترکین داده شده است. و نیز به واسطه ترقی قیمت کاغذ و طبع وجه آبرونه در آلمان صد مارک و شش مارک ۶۰ مارک و در ایران سالانه سه تومان و نیم و شش ماهه دو تومان ترقی کرده و در سایر ممالک سالانه به همان قرار سابق یک لیره انگلیسی معین شده است.

براون در کتاب تاریخ ادبیات ایران درباره سال دوم جدید کاوه تحت عنوان «سال آخر کاوه ۱۹۲۱» این طور می‌نویسد: «کاوه در سال اخیر هم دارای همان مقالات عالی بود و در تاریخ و ادبیات مطالب سودمندی انتشار می‌داد که با تحقیقات مستشرقین اروپایی پهلو می‌زد. یک سلسله مقاله مهم تاریخی به عنوان «روابط ایران و روس در زمان آق‌قویونلو و سلسله صفویه تا اول سلطنت آقامحمدخان قاجار» به قلم سیدمحمدعلی جمالزاده هر ماه به طور ضمیمه کاوه منتشر می‌شد و نشان می‌داد که مولف کلیه منابع صحیحه شرق و غرب را از نظر گذرانیده و در آنها قضاوت کرده است. قطع شدن جریده کاوه بعد از دسامبر ۱۹۲۱ لطمه بزرگی به فن ایران‌شناسی وارد ساخت.» روزنامه کاوه یکی از بهترین روزنامه‌هایی است که تاکنون به زبان فارسی منتشر شده و از حیث مطلب و مندرجات و از جهت چاپ و کاغذ در بین مطبوعات فارسی کمتر نظیر داشته است. همان قسم که یادآور شدیم مدیریت کاوه به عهده سیدحسن تقی‌زاده بوده ولی تنظیم و تدوین مقالات آن به عهده دانشمندانی بوده که در خارج ایران در آلمان مجتمع بوده‌اند.»^(۱۶)

۱۶- نامه فرنگستان

نامه فرنگستان نیز یکی از جرید منتشر شده در آلمان (برلین) می‌باشد که در چاپخانه کاویانی به چاپ می‌رسیده. فرنگستان مجله ماهانه بود و یک سال بیشتر منتشر نشده است. یعنی مجموعاً

۱۲ شماره. سردبیر و مدیرمسئول آن با نام معرفی نشده است ولی احتمالاً مشفق کاظمی بوده باشد. اسامی برخی از نویسندگان آن که پای مقاله خود را امضا کرده‌اند عبارت است از: احمد فرهاد، غلامحسین فروهر، جمالزاده، ابراهیم مهدوی، علی اردلان، رضی اسلامی و پرویز کاظمی.

مجله بیشتر مشی اندیشگی، اجتماعی و ادبی دارد. می‌شود گفت ادامه کاوه و ایرانشهر است. بانی و ناشر «عده‌ای جوان که طالب سعادت ایراند» معرفی شده است. روح باستانگرایی دارد، و بسیار ضد خرافات است، حتی کاریکاتورها و تصاویری دارد که شاید در اجتماع امروز نیز اجازه نشر پیدا نکنند. این مجله در تاریخ ۱۳۰۳ شمسی آغاز به انتشار نموده و ۱۲ ماه ادامه داشته است.

پی‌نوشت:

۱. ر. ک: مجموعه رسائل و مقالات سیدجمال‌الدین‌الحسینی، صفحه ۱۹۷ تا ۲۰۳، به اهتمام سیدهادی خسروشاهی، مرکز بررسی‌های اسلامی ۱۳۷۹.

۲. تاریخ جراید و مجلات ایران ج ۱، صفحه ۹۰، محمد صدرهاشمی، اصفهان انتشارات کمال ۱۳۶۳.

۳. تاریخ جراید و مجلات ایران ج ۱، صفحه ۱۴۸، پیشین.

۴. تاریخ جراید و مجلات ایران ج ۱، صفحه ۳۴۱، محمد صدرهاشمی، چاپ اصفهان انتشارات کمال ۱۳۶۳.

۵. مجله ایرانشهر سال اول شماره اول صفحه ۳.

۶. تاریخ جراید و مجلات ایران، ج ۱، صفحات ۳۹-۳۲۷، پیشین.

۷. ر. ک: تاریخ و مجلات ایران. ج ۳، صفحه ۱۲۹.

۸. تاریخ جراید و مجلات ایران، ج ۲، صفحات ۸۲ تا ۹۱، پیشین.

لازم به توضیح است که در دهمین شماره یاد طی دو مقاله جداگانه مجله پیکار به تفصیل مورد معرفی و نقد و ارزیابی قرار گرفته است که خوانندگان محترم مطالعه خواهند فرمود.

۹- تاریخ جراید و مجلات ایران، محمد صدرهاشمی، جلد دوم، صفحه ۲۴۷، پیشین.

۱۰- روزنامه ایران از آغاز تا سال ۱۳۲۹ هجری قمری.

۱۱- ر. ک: تاریخ جراید و مجلات ایران، ج ۳ صفحه ۱۲۹

۱۲- مجله ایرانشهر، چاپ برلین، شماره ۹، صفحه ۲۴۵، سال ۱۳۴۱ هجری قمری، غره رجب.

۱۳- ر. ک: تاریخ جراید و مجلات ایران، ج ۱، صفحه ۳۲۶

- ۱۴- تاریخ جراید و مجلات ایران. ج ۳، صفحات ۱۲۷ تا ۱۲۹، پیشین.
- ۱۵- تاریخ جراید و مجلات ایران، ج ۳، صفحات ۱۴۳ تا ۱۴۶، پیشین.
- ۱۶- تاریخ جراید و مجلات ایران ج ۴، صفحات ۱۲۵ تا ۱۲۹، پیشین.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی